

نقش مدرسه و معلمان در کاهش آسیب های اجتماعی دانش آموزان در بستر سند تحول

نهضت شیخعلی^۱

^۱ کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات عربی، دبیر عربی استان زنجان، منطقه زنجانرود (نویسنده مسئول)

چکیده

بررسی رفتارهای پرخطر که پیامدهایی ناگوار برای زندگی، سلامتی و رشد روانی و اجتماعی نوجوان به همراه می آورند، دارای اهمیت است. برخی از این پیامدها عبارتند از: بیماری های روانی مانند افسردگی (گلدستین، والتون، کانینگهام، تروربیچ و میو ۲۰۰۷)، ایدز و بیماری های جنسی (مارکوویز و گالبن، ۲۰۰۴)، انگیزه پایین تحصیلی و شکست تحصیلی (جنیس، ۲۰۰۲) و درگیری در جرائم گوناگون. مصرف مواد مخدر، خشونت و رفتارهای جنسی عامل بسیاری از مرگ و میرهای سنین نوجوانی و اوایل بزرگسالی محسوب می شوند (لیندربرگ، بوگس و ویلیامز، ۲۰۰۰). گازمن و بوش (۲۰۰۷) نیز چند عامل را که نوجوانان را مستعد رفتارهای پرخطر می سازد، شناسایی کرده اند: در سطح فردی، کسانی که از توانایی ها آگاهی ندارند، کسانی که عزت نفس پایینی دارند، کسانی که در گروه های منفی همسالان عضویت دارند، و کسانی که تعهد مدرسه ای ضعیفی دارند. عوامل دیگری مانند ارتباط والد - فرزند ضعیف، نظارت والدینی ضعیف (مانند والدینی که از محل نوجوانان خود بی خبرند) و فقدان حمایت خانوادگی نیز مطرح هستند. شگفت انگیز نیست، وقتی والدین خودشان به رفتارهای پرخطر اشتغال دارند، نوجوانان نیز به رفتارهای پرخطر دست بزنند. با وجود جو مدرسه ای ضعیف، وضعیت اقتصادی - اجتماعی ضعیف، و فقدان یا ضعف روابط اجتماعی، نوجوانان بی سرپرست در خطر بیشتری برای داشتن رفتارهای منفی هستند. جلوگیری از علل و عوامل و بروز این آسیب ها به برنامه ریزی نهادهای مرتبط با کودکان و نوجوانان در آموزش و پرورش نیاز دارد. تدوین پیش نویس سند پیشگیری از آسیب های اجتماعی دانش آموزان شاید با همین احساس مسئولیت شکل گرفت. یکی از راه های پیش بینی شده در این سند آموزش اصول مهارت های زندگی در مدرسه و توسط معلمان است. بیشتر تحقیقات حاکی از آن هستند که آگاهی از مهارت های زندگی و آموزش آن در پیشگیری از آسیب های اجتماعی نقش مهمی دارد. این مقاله سعی دارد که به نقش آموزش و پرورش و مدارس و معلمان در کاهش آسیب های اجتماعی بپردازد. لذا به بیان آسیب های اجتماعی و سپس به نقش مدارس در کاهش این آسیب ها خواهیم پرداخت.

واژه های کلیدی: آسیب های اجتماعی، سند تحول، مدرسه

مروری بر پیشینه پژوهش

یافته‌های یک پژوهش انجام شده در وزارت آموزش و پرورش (۸۳ - ۱۳۸۲) نشان می‌دهند، چند اختلال و آسیب چشمگیر بوده اند که به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. رابطه با جنس مخالف
۲. فرار از منزل و مدرسه
۳. ضرب و جرح و درگیری
۴. خودکشی
۵. سایر موارد مثل اعتیاد و تقلب.

طبق یافته‌های سخاوت (۱۳۸۱) در بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان، ناهنجاری دانش‌آموزان، در مدرسه و بیرون از مدرسه، ریشه‌های مشترکی دارند و نباید آن‌ها را دو پدیده جدا از هم دانست. داشتن روابط مطلوب در محیط خانواده و مدرسه، پنداشت از خود دانش‌آموز، پنداشت از درآمد خانواده، شغل پدر، پنداشت از نظم مدرسه، توفیق در کار مدرسه و جنسیت، به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان در مدرسه، و برخی متغیرها مانند توفیق تحصیلی، جنسیت و پیوند با مادر، در ناهنجاری‌های رفتاری در بیرون مدرسه اهمیت بیشتری دارند.

آزاد (۱۳۸۸) در بررسی ناهنجاری‌های رفتاری در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان اردبیل و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن دریافت: عواملی مانند سن، جنس، وضعیت تحصیلی و خودپنداره، کفایت مادی خانواده، نوع مسکن، میزان پیوستگی با والدین و کنترل و نظارت خانواده، نحوه گذراندن اوقات فراغت، نوع دوستان، و نوع پنداشت از جامعه، معلم، مدیر و معاونان مدرسه، عوامل تأثیرگذار بر ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان شهرستان اردبیل بوده‌اند.

یافته‌های پژوهش احمدی و همکارانش (۱۳۸۸)، با عنوان «عوامل مرتبط با بزهکاری دانش‌آموزان دبیرستانی»، حاکی از آن است که گروه‌های هم‌سالان در تقویت رفتار بزهکارانه جوانان از اهمیت زیادی برخوردارند. با این حال، تقویت هویت مذهبی جوانان می‌تواند به کاهش میزان بزهکاری کمک کند. درواقع، دین به‌عنوان یک کنترل‌کننده اجتماعی، جلوی بسیاری از رفتارهای بزهکارانه دانش‌آموزان را می‌گیرد. همچنین کاهش محتوای خشونت‌آمیز برنامه‌های رسانه‌های جمعی می‌تواند به کاهش بزهکاری بینجامد.

حسینی (۱۳۷۹) تحقیقی را با عنوان «میزان و علل ناهنجاری‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره راهنمایی و روش‌های مقابله با آن» در شهر مشهد انجام داد. نتایج این بررسی نشان داد که ناهنجاری‌های رفتاری، همچون گوش دادن به موسیقی غیرمجاز، رفتارهای خشونت‌آمیز، دروغ گفتن، غیبت کردن، تماشای فیلم‌های غیرمجاز و رابطه با جنس مخالف، در میان دانش‌آموزان بیشترین فراوانی را دارد. دانش‌آموزان پسر بیش از دانش‌آموزان دختر ناهنجاری رفتاری داشتند. میزان ناهنجاری‌ها در خانواده از هم پاشیده و آسیب دیده بیش از خانواده‌های دیگر بود.

جیلز (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان «بزهکاری با تأکید بر (خشونت، سرقت و وندالیسم) در میان نوجوانان دبیرستان آلبرتا»، با نمونه آماری ۱۸۲ نوجوان ۱۹ - ۱۵ ساله که ۸۴ نفر دختر و ۹۸ نفر پسر آن‌ها بودند، از طریق پرسش‌نامه دریافت که در زمینه بزهکاری، یگانگی (همدلی)، کنترل انگیزشی و تعهدات اجتماعی متغیرهای کلیدی محسوب می‌شوند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین یگانگی و کنترل انگیزشی با خشونت و وندالیسم رابطه معناداری وجود دارد، اما بین تعهدات اجتماعی و سه رفتار بزهکاری مورد تأکید رابطه معناداری مشاهده نشد (جیلز، ۲۰۰۶).

مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در تحقیقات انجام یافته، به تناسب موضوع و هدف بررسی آن‌ها، یک یا چند بعد از آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌ها و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان یا نوجوانان و جوانان، و نیز علل و عوامل مؤثر بر آن‌ها، به ویژه نقش خانواده، گروه‌های هم‌سال، عوامل شخصیتی و روانی و مانند آن بررسی شده، اما نقش و تأثیر آموزش و پرورش، مدرسه و معلم به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار و کاهنده آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان تاکنون به‌طور وسیع مورد بررسی

قرار نگرفته است. لذا فرض بر این است که بخشی از کل واریانس آماری و تغییرات آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان تحت‌تأثیر متغیرهای مربوط به برنامه‌های در حال اجرا و اجرا شده توسط مدرسه‌ها و معلمان است که به آن‌ها توجه نشده است.

تعریف آسیب‌های اجتماعی

آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیر رسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌گردد. به همین دلیل، کجروان سعی دارند کجروی‌های خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان نمایند؛ زیرا درغیراین

صورت با پیگرد قانونی، تکفیر اخلاقی و طرد اجتماعی مواجه می‌شوند.

از نظر بروس کوئن یک رفتار انحرافی با توجه به هنجارهای موجود در فرهنگ تعریف می‌شود. رفتار و عملی که ممکن است در یک موقعیت یا فرهنگ خاص قابل قبول باشد، ممکن است در جاهای دیگر ناروا و غیر قابل قبول باشد. از جمله انحرافات در فرهنگ ما قتل عمد، تجاوز به عنف، دزدی

، ناراحتی روانی جنون آمیز، بزهکاری جوانان، اعتیاد، فحشا و امثال آن است.

انواع آسیب‌های اجتماعی

آسیب‌های نوپدید (شبکه‌های مجازی)

آسیب‌های نوپدید، آسیب‌های مرتبط با فناوری‌های جدید است که آسیب‌های ناشی از استفاده از ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای، تلفن همراه و اینترنت می‌توانند در این مجموعه قرار گیرند و می‌تواند زمینه‌ساز نوع جدیدی از آسیب‌های اجتماعی و روانی باشد. حریم خصوصی افراد آن قدر اهمیت دارد که احترام به آن در قرن حاضر از مرزهای سنتی دین و اخلاق فراتر رفته و در بیشتر کشورهای جهان ضمانت قانونی پیدا کرده است، اما شئون انسانی و اهمیت حفظ آن در فضای مجازی و امنیت اطلاعات مبادله شده با چالش‌هایی مواجه شده و سلامت اخلاقی و حتی جسمانی کودکان و نوجوانان در جامعه به مخاطره افتاده است.

اکثر والدین نیز به دلیل عدم آشنایی با اینترنت و ظرفیت‌های آن و شبکه‌های اجتماعی فضایی و فناوری‌های نوین ارتباطی، از رفتارهای آنلاین فرزندانشان در فضای مجازی اطلاعی ندارند. همین مسأله راه را برای صیادان اینترنتی باز می‌کند تا راحت‌تر بتوانند طعمه‌های خود را از میان افرادی انتخاب نمایند که به نوعی دچار انواع آسیب‌های اجتماعی هستند و بدون در نظر گرفتن تهدیدات و معایب این فضا به دنبال تفریح در آن هستند.

فضای مجازی همچنین فضایی محدود به افکار کاربران آن است که به دلیل ناشناس بودن فرستنده و گیرنده پیام، امکان سواستفاده طرفین از هم افزایش می‌یابد.

سرقت و دزدی

سرقت و دزدی هم از لحاظ عرفی و هم از لحاظ قانونی به عنوان یک آسیب جدی محسوب می‌شوند. هر چند عوامل متعددی در بروز این مشکل شناخته شده‌اند مثل فقر و بیکاری، اعتیاد و شیوه‌های تربیتی، اما باید توجه داشت مبانی شخصیت اهمیت ویژه در ارتکاب دزدی دارند. از دیگر علل و انگیزه‌های روانی-عاطفی سرقت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- فقر عاطفی
- ناکامی
- پرخاشگری
- تجربه‌های دوران کودکی
- احساس ناامنی
- کودکان نازپرورده
- خودنمایی
- حسادت
- حادثه جویی
- و محیط اجتماعی نامناسب

از عوامل اجتماعی-اقتصادی سرقت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- فقر مادی و فرهنگی
- معاشرت با دوستان ناباب
- بیکاری
- طبقاتی بودن جامعه و نابرابری‌های اجتماعی
- شهرنشینی و زاغه نشینی
- مهاجرت به شهرها و ...

طلاق

طلاق بر انحلال یک ازدواج رسمی در زمانی که طرفین آن هنوز در قید حیاتند و بعد از آن آزادند تا دوباره ازدواج کنند دلالت می‌کند. یا به عبارت دیگر "طلاق شیوه نهادی شده پایان یک ازدواج است". متفکران و جامعه‌شناسان، طلاق را یکی از آسیب‌های اجتماعی به شمار آورده و بالا رفتن آن را نشانه بارز اختلال در اصول اخلاقی و به هم خوردن آرامش خانوادگی و در مجموع دگرگونی در هنجارهای اجتماعی می‌دانند. علل افزایش طلاق را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- مشکلات مالی
- عدم توافق اخلاقی و ناسازگاری‌های جنسی
- عدم علاقه و کراهت طرفین از یکدیگر در نتیجه ازدواج‌های تحمیلی
- دخالت دیگران به ویژه خانواده‌ها
- سوءظن
- عدم تمکین

- عدم پای بندی به مذهب
- اعتیاد
- زیاده طلبی
- انتخاب نادرست اولیه
- کمی سن ازدواج
- ناآگاهی
- تفاوت فرهنگی
- ازدواج مجدد
- بیکاری
- نداشتن مسکن
- اختلاف در تعیین محل زندگی ... و

همچنین در دنیای معاصر انتظارات مردم از ازدواج بالا رفته و افراد بر خلاف گذشته بیشتر به خاطر عشق ازدواج می کنند و نه صرفا داشتن یک شریک زندگی، زنان امروز حاضر به پذیرش ازدواج ناخشنود نمی باشند و مصداق سوختن و ساختن کمتر پذیرفته می شود، از لحاظ فرهنگی زشتی طلاق کاهش یافته و پذیرش اجتماعی آن روز افزون است.

خودکشی

خودکشی هر چند در وهله اول یک مشکل فردی به شمار می رود ولی از آنجایی که فرد در اجتماع زندگی می کند و تأثیرات متقابلی همواره بین آنها برقرار است، به عنوان یک معضل و یکی از آسیب های اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد. آمار خودکشی معمولا با سایر جرایم و آسیب ها ارتباط پیدا می کند، بطوری که در میان گروه های مبتلا به اعتیاد خودکشی بیشتر دیده می شود. جامعه شناسان معتقدند هر اندازه همبستگی اجتماعی سست گردد و ارتباط و تعلق فرد به گروه کاسته شود، او آمادگی بیشتری برای پایان دادن به حیات خود پیدا می کند.

براساس مجموع تحقیقات که تاکنون انجام شده، علل و انگیزه های خودکشی در ایران را می توان چنین برشمرد:

- اختلافات زناشویی و نامناسب بودن شرایط زندگی خانوادگی
- شکست در عشق
- اختلالات روانی و شخصیتی
- فقر و بیکاری
- اعتیاد
- تورم و شرایط نامساعد اقتصادی
- گذار جامعه از حالت سنتی به صنعتی
- حس پوچی و بی هویتی در جوانان

وابستگی دارویی یا اعتیاد

اعتیاد از مهمترین آسیب های اجتماعی در جامعه ما به حساب می آید. اعتیاد به سبب ویژگی های ذاتی خود، اغلب با سایر آسیب ها همراه می شود و موجب هدر رفتن نیروهای ثمربخش جامعه می گردد. علل گرایش به اعتیاد از مسایل روانی و فردی تا مسایل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گسترده می باشد.

نتایج تحقیقات داخلی و خارجی در خصوص آسیب های اجتماعی و خطرپذیری نشان می دهد که ماهیت، نوع، شدت و روش ارتکاب انحرافات در میان دانش آموزان پیچیده شده و روند افزایشی داشته است. عوامل خانوادگی، نظیر فرایند ناقص جامعه پذیری در خانواده، کنترل ضعیف خانوادگی، روابط سرد عاطفی بین اعضای خانواده، گسیختگی خانوادگی، شکاف نسلی بین فرزندان و والدین، پایگاه پایین اقتصادی و اجتماعی خانواده، کاهش تعلق خاطر به مدرسه، بی اعتقادی به هنجارهای رسمی مدرسه، مشارکت نکردن در فعالیتهای مدرسه و گروه همسالان، کارایی نداشتن مدرسه، رسانه های جمعی و خانواده در جامعه پذیر کردن و کنترل دانش آموزان، روحیه کنجکاوی جوانان، و ابهام هویتی، زمینه ساز گرایش آنان به رفتارهای انحرافی است.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزش و پرورش و معلمان در کنترل یا کاهش آسیب های اجتماعی دانش آموزان انجام شد. به نظر می رسد که دانش آموزان پسر دوره متوسطه بیشتر از دانش آموزان دختر در معرض آسیب های اجتماعی قرار دارند. نتایج آزمون t نشان داد که تفاوت معناداری بین دانش آموزان دختر و پسر از نظر آسیب های اجتماعی وجود دارد. به این معنی که آسیب های رفتاری - اجتماعی در پسران بیشتر از دختران مشاهده می شود. این یافته همسو با یافته های تحقیقات حسنی (۱۳۷۹)، سخاوت (۱۳۸۱)، آزاد (۱۳۸۸)، و طباطبایی و آتش نفس (۱۳۹۰) است.

همچنین براساس نتیجه آزمون همبستگی پیرسون معلوم شد که میزان اهمیت دهی به اجرای طرح مدرسه های مراقب توسط مدیران و معلمان، در کاهش آسیب های اجتماعی دانش آموزان دوره اول متوسطه مؤثر است. لذا مدیران مدرسه ها با اجرای این طرح در مصونیت بخشی به دانش آموزان در برابر آسیب های اجتماعی، سوء مصرف مواد و رفتارهای پرخطر (گرایش به دخانیات، سوء مصرف مواد، خشونت و روابط ناسالم جنسی)، آسیب های نوپدید (تلفن همراه و فضای مجازی)، دزدی و بزهکاری، و عوامل مخاطره آمیز دیگر، از طریق مشارکت و همیاری اجتماعی تا حدی موفق بوده اند. آن ها سعی دارند با اجرای برنامه های متعدد در قالب های متنوع آموزشی، فرهنگی و ترویجی، از قبیل اجرای کارگاه های آموزشی، برگزاری جشنواره ها، برپایی نمایشگاه ها، و ارائه محصولات فرهنگی - آموزشی آسیب های رفتاری و پرخطر دانش آموزان را تا حد مقدور کنترل کنند.

آموزش مهارت های زندگی توسط معلمان در کاهش رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی دانش آموزان مؤثر بوده است. این یافته با یافته های گورمن (۲۰۰۲)، و بوتین و همکارانش (۲۰۰۰) هم خوانی دارد. در این تحقیقات نیز آشکار شد که آگاهی از مهارت های زندگی، به عنوان عاملی محافظت کننده در پیشگیری و یا کاهش سوء مصرف مواد، نقش مهم و مؤثری دارد. زیرا با آموزش مهارت های زندگی در مدرسه، دانش آموزان هم از ارزشیابی خود از رفتارهای پرخطر آگاه می شوند و هم به طور مستقیم در مقابله با نگرش های معلمان درباره آسیب های اجتماعی تحت تأثیر قرار می گیرند. از این رو، آموزش مهارت های زندگی توسط معلمان در مدرسه، مهارت های فردی و بین فردی آن ها را در رسیدن به هدف ها و تأمین نیازهایشان تقویت می کند. همچنین، آن ها را با نگرش های متفاوت و ناهم ساز با نگرش های خود مواجه می سازد تا دانش آموزان در نگرش های خود تجدیدنظر و نگرش های نادرست خود را اصلاح کنند.

همچنین براساس یافته های به دست آمده از نمونه مورد بررسی مشخص شد که نظارت در مدرسه در کنترل رفتارهای پرخطر دانش آموزان مؤثر بوده است. این یافته همسو با یافته های تحقیقات گازمن و بوش (۲۰۰۷)، فریک (۱۹۹۳)، آماتوکیت (۱۹۹۱) و عیسی مراد (۱۳۹۰) و منطبق با «نظریه هیرشی» است. دانش آموزانی که تعهد و روابط محکمی با والدین و مدرسه دارند، تا حد کمتری درگیر رفتار مجرمانه می شوند. آسیب های اجتماعی در مدرسه هنگامی به وجود می آیند که تعهد دانش آموز به

مدرسه ضعیف باشد و یا از بین برود. نبود تأیید اجتماعی و ایجاد احساس گناه در دانش‌آموزان توسط عوامل اجرایی مدرسه، ارتکاب رفتار پرخطر و مخاطره‌آمیز توسط آنان را کاهش می‌دهد.

در مجموع می‌توان گفت آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای مخاطره‌آمیز در میان دانش‌آموزان پسر بیشتر از دختران است و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه، از جمله اجرای طرح مدرسه‌های مراقب و آموزش مهارت‌های زندگی در مدرسه، در کاهش آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر بوده است.

پیشنهادها

- از آنجا که آسیب‌های اجتماعی بین دانش‌آموزان پسر بیش از دختران شیوع دارد، لذا برنامه‌هایی متناسب با نوع و گستره شیوع آسیب‌ها و احیا و فعال‌تر و توانمندتر ساختن مراکز مشاوره و راهنمایی دانش‌آموزان، به ویژه برای دوره دوم متوسطه و هنرستان‌های پسرانه تدوین شوند.

- کارگروه ویژه و تخصصی «کمیته پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و سوءمصرف مواد» در اداره‌های آموزش و پرورش و مدرسه‌ها تشکیل و تقویت شود.

- مدیران و معلمان مدرسه‌ها، در جلسات انجمن اولیا و مربیان و یا دیگر فرصت‌هایی که برای گفت‌وگو با خانواده‌ها و نیز نهادها و معتمدان محلی دارند، زمینه‌ای برای حمایت‌جویی به منظور پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان فراهم آورند.

- معلمان و دبیران در جلسات گروه‌های درسی و جلسات شوراهای معلمان در طول سال به بحث آسیب‌ها و مخاطرات اجتماعی پیش روی دانش‌آموزان بپردازند و اقدامات انجام یافته را در صورت جلسه‌ها قید کنند.

گیر یا دچار تغییرات خلقی است، آموزی را که گوشه‌آموزان را در کلاس درس رصد کنند و دانش-معلمان حالات رفتاری دانش‌آموزان بشناسند و به به مدیر مدرسه معرفی کنند. توصیه این است به معلمان آموزش دهیم که علائم خطرپذیری را در دانش‌آموزان صورت بگیرد. مربی پرورشی، مدیر مدرسه یا والدین گزارش دهند تا اقدامات تکمیلی برای دانش

منابع

۱. آزاد آبی بگلو، رسول (۱۳۸۸). «بررسی ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان اردبیل و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور استان تهران. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
۲. احمدی، حبیب؛ خواجه‌نوری، بیژن؛ موسوی، مجید (۱۳۸۸). «عوامل مرتبط با بزهکاری دانش‌آموزان دبیرستانی». فصل‌نامه رفاه اجتماعی. شماره ۹.
۳. خسرو، رشید (۱۳۹۴). «رفتارهای پرخطر بین دانش‌آموزان نوجوان دختر و پسر شهر تهران». نشریه رفاه اجتماعی. دوره ۱۵. شماره ۵۷.
۴. سخاوت، جعفر (۱۳۸۱). «بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان». مجله جامعه‌شناسی ایران. تابستان ۱۳۸۱. دوره ۴. مرکز تحقیقات سوءمصرف و وابستگی به مواد. دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی. مؤسسه داریوش.
۵. طباطبایی، سیدموسی و آتش نفس، الهه (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مستعدکننده و بازدارنده آسیب‌های اجتماعی در دانش‌آموزان». رشد مشاور مدرسه. دوره ششم. شماره ۴.
۶. گلچین، مسعود (۱۳۸۵). «انحرافات اجتماعی جوانان در آینه پژوهش‌ها». نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۸. پاییز.
۷. گلزاری، محمود (۱۳۸۶). بررسی میزان آگاهی دانشجویان شاهد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی شهر تهران از مهارت‌های زندگی. معاونت پژوهشی بنیاد شهید و امور ایثارگران. تهران.

It is important to study high-risk behaviors that have adverse consequences for adolescent life, health, and psychological and social development. Some of these consequences

These include mental illnesses such as depression (Goldstein, Walton, Cunningham, Trubridge, & Mayo ۲۰۰۷), AIDS and sexually transmitted diseases (Marquis and Galben, ۲۰۰۴), low academic motivation and academic failure (Janice, ۲۰۰۲), and involvement in various crimes. Drug use, violence, and sexual behavior are the leading causes of many deaths in adolescence and early adulthood (Linderberg, Boggs, & Williams, ۲۰۰۰).

Guzman and Bush (۲۰۰۷) also identified several factors that predispose adolescents to high-risk behaviors: At the individual level, those who are unaware of abilities, those with low self-esteem, those in negative peer groups, and those who have the commitment of weak teachers. Other factors include poor parent-child relationship, poor parental supervision (such as parents unaware of their adolescents), and lack of family support. Not surprisingly, when parents engage in risky behaviors themselves, teens engage in risky behaviors as well. Despite a weak school climate, poor socioeconomic status, and lack or weakness of social relationships, homeless adolescents are at greater risk for negative behaviors.

Preventing the causes and factors and the occurrence of these injuries requires the planning of institutions related to children and adolescents in education. The drafting of the document for the prevention of social harms of students was perhaps formed with this sense of responsibility. One of the ways envisaged in this document is to teach the basics of life skills at school and by teachers. Most research suggests that knowledge of life skills and training play an important role in preventing social harm.

This article tries to address the role of education and schools and teachers in reducing social harms. Therefore, we will express the social harms and then the role of schools in reducing these harms